

تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و الزامات امنیتی تأثیرگذار در گسترش ناتو؛ با تأکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر رضا اختیاری امیری*

چکیده

تحت تحولات سیاسی اخیر به اصطلاح «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی»، ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال آفریقا بار دیگر به کانون بحران جهانی تبدیل گشته و بدین ترتیب بستر لازم جهت مداخله و توسعه نفوذ بازیگران فرامنطقه ای مهیا شده است. در همین ارتباط، سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا شکل گرفته است که در صورت تداوم و یا تشدید تحولات اخیر خاورمیانه، پیامدهای امنیتی آن چه نقشی می‌تواند در گسترش حضور ناتو در منطقه ایفاء نماید؟ همچنین، چالش‌های امنیتی گسترش ناتو در منطقه برای ج.ا.ایران چه خواهد بود؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مکتب کپنهاگ، این انگاره را مفروض می‌پندارد که در صورت استمرار، تشدید و یا تسری بحران در ژئوپلیتیک خاورمیانه، بستر برای حضور گسترده و فراگیرتر ناتو در منطقه فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، تهدیدات چند بعدی امنیتی ناشی از بحران خاورمیانه برای کشورهای عضو ناتو از یک سو و باز تعریف این سازمان از نقش خود به عنوان یک نهاد «مسئول» و متصدی برقراری صلح و امنیت جهانی در هزاره جدید از سوی دیگر، منجر به آن خواهد شد تا این سازمان در راستای تأمین امنیت جهانی، بویژه منافع و امنیت اعضا و متحدان و شرکای منطقه‌ای، اقدام به مداخله و توسعه نفوذ بیشتر در خاورمیانه نماید. در همین ارتباط، گسترش فزاینده ناتو می‌تواند تبعات امنیتی گوناگونی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته و متعاقباً امنیت این کشور را با تهدید جدی مواجه سازد.

کلیدواژه‌ها

بهار عربی، خاورمیانه، ناتو، امنیت، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ناکامی ایدئولوژی کمونیسم، گمان می‌رفت جهان به سوی صلح و ثبات پایدار ناشی از حاکمیت نظم لیبرالی حرکت نماید. اما، منازعات، بحران‌ها و درگیری‌های خشونت‌آمیز گوناگون در حوزه‌های مختلف جغرافیایی نمایان ساخت که جهان به نوعی، همان گونه که برژینسکی بیان نمود، در «آشفستگی دایم»^۱ بسر می‌برد که نمی‌توان در مورد آینده آن پیش‌بینی متقنی نمود. از جمله تحولات و بحران‌هایی که در سال‌های اخیر بستر ساز، به گفته رابرت کاپلان، «آشوب جهانی»^۲ شده، حوادثی است که در ژئوپلیتیک خاورمیانه تحت عنوان «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» رخ داده است؛ که قادر است زمینه گسترش حضور کنش‌گران فراملی همچون سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۳ را بیش از پیش در این منطقه فراهم سازد.

در حال حاضر فروپاشی حکومت‌های دیکتاتوری، جنگ‌های مدنی و دولتی، اعتراضات خیابانی و ضد دولتی، ظهور گروه‌های تروریستی و بنیادگرای جدید و قدرتمند که داعیه خلافت و تشکیل حکومت مستقل را دارند، مختصات اصلی خاورمیانه را مفصل‌بندی می‌کند. با توجه به این شرایط، پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که در صورت تداوم و یا تشدید تحولات اخیر خاورمیانه، پیامدهای امنیتی آنچه نقشی می‌تواند در گسترش حضور پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو در منطقه ایفاء نماید؟ همچنین، چالش‌های امنیتی گسترش ناتو در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران چه خواهد بود؟

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جهت گردآوری داده‌ها استفاده می‌گردد. همچنین، مکتب کپنهاگ به عنوان رهیافت نظری این پژوهش انتخاب شده است. بنیان‌گذاران این مکتب نظیر بوزان و ویور^۴ با توجه به تحول در ماهیت تهدیدات و گستردگی و تنوع آنها، تفسیری موسع از مفهوم امنیت ارائه می‌دهند که نه تنها بعد کلاسیک و رئالیستی آن یعنی امنیت نظامی را در بر می‌گیرد، بلکه ابعاد جدید امنیت مانند امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را نیز شامل می‌شود. علاوه بر نگاه چندبعدی به امنیت، در حالی که در تعریف مضیق از مفهوم امنیت، دولت تنها مرجع تأمین آن

1. Perpetual Turmoil
2. Global Chaos
3. North Atlantic Treaty Organization(NATO)
4. Weaver

محسوب می‌شد، در دوران پسا جنگ سرد، در کنار دولت، افراد، گروه‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی و رسانه‌ها، همگی مراجع امنیت محسوب می‌گردند. ضرورت مطالعه و تبیین موضوع پژوهش از چند منظر قابل ارزیابی است: نخست اینکه در ادبیات پیشین رابطه بین این دو متغیر یعنی بهار عربی و گسترش ناتو مورد بررسی و تبیین قرار نگرفته است. دوم، اهمیت موضوع از بعد عملی و سیاستگذاری می‌باشد. به عبارتی، بررسی افزایش حضور فراگیرتر و گسترده‌تر ناتو در ژئوپلیتیک خاورمیانه و تهدیداتی که این سازمان امنیتی می‌تواند برای امنیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی کشور ایجاد کند ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می‌کند.

۱. الزامات راهبردی امنیتی خاورمیانه و گسترش ناتو

تحول در ماهیت تهدیدات در دوران پسا شوروی و شکل‌گیری چالش‌های امنیتی در خارج از حوزه یورو - آتلانتیک، بویژه با وقوع تراژدی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو را ترغیب نمود تا از طریق تنظیم و اجرای طرح‌هایی مانند «ابتکار همکاری استانبول»^۱ (۲۰۰۴) و «گفتگوهای مدیترانه‌ای» یا به اصطلاح «ناتو+۷»، که مبتنی بر همکاری این سازمان با هفت کشور منطقه مدیترانه است، حضور و توسعه نفوذ خود را در ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال آفریقا شدت و مشروعیت بخشد و طی نشست‌های آتی مانند اجلاس بخارست (۲۰۰۸) و لیسبون (۲۰۱۰) کماکان تمرکز خود را بر این منطقه حفظ نماید. آنچه که کانون محوری دیدگاه اعضاء این سازمان را صورت‌بندی می‌کند این موضوع است که ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه کلیدی برای آرامش و ثبات در کل دنیا بحساب می‌آید (دهقانی، ۱۳۸۳). به عبارتی، بنیان‌گذاران ناتو بر این نکته تأکید می‌کنند که امنیت پایدار در مرکز، منوط به امنیت در محیط پیرامونی بویژه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد (Rasmussen, 2012).

با توجه به این انگاره، تحولات سیاسی جدیدی که از اواخر ۲۰۱۰ میلادی آغاز گردید، بار دیگر منطقه خاورمیانه را به یک «سوژه امنیتی» مبدل ساخته است که با تغییر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد الزامات امنیتی قادر است زمینه کنشگری و نقش‌آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ناتو، که مدعی حفظ ثبات و امنیت جهانی هستند، را بیش از گذشته فراهم

1. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

سازد. مصداق این ادعا، اظهارات ینس استولتنبرگ^۱ دبیر کل فعلی ناتو است که اخیراً اشاره داشته است «یکی از مسائلی که می‌تواند ناتو را در خاورمیانه درگیر کند مساله مقابله با تروریسم به ویژه داعش است. اینکه ناتو در این مساله ورود پیدا کند در دستور کار است. ... البته موضوع تروریسم خاورمیانه در مجموعه‌ای از موضوعات دیگر پیچیده شده است که باید مورد بحث واقع شوند (حیران‌نیا و یزدانی، ۱۳۹۵: ۴۶). به دیگر سخن، اگرچه مقابله با تروریسم و بنیادگرایی یکی از اولویت‌های اصلی ناتو بشمار می‌آید، که زمینه افزایش حضور این سازمان را در کشورهای مانند عراق و سوریه فراهم نموده است، با این وجود پیوستگی و در هم تنیدگی تروریسم با سایر مسایل تهدید زا، لزوم توجه به آن‌ها را ضرورت بخشیده و متعاقباً امکان حضور این نهاد امنیتی را در مناطق گوناگون خاورمیانه تشدید می‌کند.

در واقع، با وقوع بهار عربی، شرایط متشنج و بحرانی خاورمیانه از یک سو و همسایگی و همجواری این حوزه جغرافیایی با کشورهای عضو ناتو از سوی دیگر، موجب شده تا امنیت این کشورها از جهات گوناگون متزلزل گردد. در حال حاضر، چالش‌هایی مانند تروریسم، بنیادگرایی اسلامی، وجود دولت‌های شکننده،^۲ تهدیدات علیه شرکا و متحدان منطقه‌ای، مهاجرت‌های غیر قانونی، امنیت انرژی و جلوگیری از اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از جمله عناصر مهمی هستند که می‌توانند، با توجه به انطباق آن‌ها با اهداف و راهبردهای نوین ناتو یا به اصطلاح «سند مفهوم استراتژیک نوین»^۳، زمینه مداخله بیشتر و حضور گسترده‌تر این نهاد را، که پیشتر در اجلاس لندن (۱۹۹۰) به لحاظ ماهیتی و کارکردی از اتحادیه‌ای «نظامی-سیاسی» به اتحادیه «سیاسی-نظامی» به رهبری ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است، در ژئوپلیتیک خاورمیانه فراهم نماید. در همین ارتباط، یکی از علل احیای روابط ناتو و اروپا با روسیه پس از ماجرای کریمه نیز، «احساس نیاز آن‌ها به روسیه در زمینه‌های مبارزه با داعش، پایان دادن به درگیری‌ها در سوریه، تضمین امنیت جریان گاز و ریشه‌کن کردن تنش‌ها» بیان شده است (حیران‌نیا و یزدانی ۱۳۹۵: ۴۶-۴۷)؛ که خود مبین اهمیت تحولات اخیر خاورمیانه است.

1. Jens Stoltenberg
2. Faill Ststes
3. New Strategic Concept

۲. تهدیدات تروریسم و بنیادگرایی اسلامی

احیای بنیادگرایی خشونت‌گرا و تروریسم که امروزه در قالب حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) و سایر گروه‌های تروریستی کوچک مانند جبهه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام و غیره تبلور یافته است نه تنها بطور مستقیم به عنوان «تهدید راهبردی» علیه منافع غرب محسوب می‌گردد، بلکه از این پتانسیل برخوردار است که از جنبه‌های مختلف امنیت و منافع اعضای ناتو را در منطقه با چالش جدی مواجه ساخته و در نهایت «جنگ پیش‌دستانه» را بار دیگر ضرورت بخشد. در همین رابطه، تهدیدات تروریستی پیشتر موجب شده بود تا در سال ۱۹۹۶ ایالات متحده قانون ضد تروریسم را به تصویب رساند؛ که بر اساس آن وزارت خارجه آن کشور مکلف بود تا کشورهای حامی تروریسم در جهان را هر ساله معرفی نماید. بدین ترتیب، مفهوم «پاد تروریسم»^۱ وارد ادبیات سیاسی شد که به معنای به کارگیری اقدامات دفاعی-امنیتی مؤثر برای مقابله با نشانه‌های تهدید است. همچنین، جهت مقابله با پدیده افراطی‌گری و تروریسم، ناتو به رهبری آمریکا برنامه‌ای را تحت عنوان «دفاع هوشمند» به اجرا گذاشت که «به منزله بهره‌گیری از ابزارهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی برای تحقق راهبرد ناتو در سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۱۲ محسوب می‌شود» (متقی و کوه خیل، ۱۳۹۱: ۲۸-۱۴). در واقع، این برنامه زمینه حضور گسترده‌تر ناتو را در منطقه خاورمیانه فراهم نمود. همکاری‌های اطلاعاتی این سازمان با اردن، مصر و پاکستان در همین رابطه قابل ارزیابی است.

۳. امنیت انرژی

در همین راستا، از جمله تهدیدات گروه‌های تروریستی، دستیابی احتمالی آن‌ها به منابع اصلی انرژی و تسخیر این مناطق می‌باشد. در واقع، با تحول گفتمان ژئواستراتژیک به گفتمان ژئواکونومیک به ویژه از سال ۱۹۸۹ و نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی، ژئوپلیتیک انرژی از جایگاه والایی در عرصه بین‌المللی برخوردار شده است (ولی زاده و هوشی سادات، ۱۳۹۲: ۱۰۱). اهمیت منابع انرژی برای جهان غرب و سرمایه‌داری موجب شده است تا امنیت و ثبات مناطق نفت‌خیز خاورمیانه بویژه در خلیج فارس، با امنیت «یورو-آتلانتیک» به‌طور فزاینده‌ای پیوند بخورد (طباطبایی و محمودی، ۱۳۸۹) و امنیت انرژی به عنوان «ضرورت نظام سرمایه‌داری» به کانون توجه ناتو در ژئوپلیتیک خاورمیانه تبدیل گردد؛ که هم در «سند مفهوم

1. Anti-terrorism

راهبردی نوین» و هم در سند «رهنمود فراگیر سیاسی»^۱ مصوب نشست ریگا (۲۰۰۶) بر آن تأکید شده است. در همین ارتباط، دبیرکل وقت ناتو در سال ۲۰۰۷ در شهر آهرید جمهوری مقدونیه، سه گزینه احتمالی را در رابطه با موضوع امنیت انرژی بیان داشت که حاکی از برنامه راهبردی این سازمان جهت تأمین امنیت انرژی منطقه می‌باشد: ۱. تقویت حمایت ناتو از نیروی کشورها برای حفاظت از خطوط لوله و مسیرهای انتقال انرژی؛ ۲. استقرار نیروهای ناتو برای حفاظت از مخازن و خطوط انتقال انرژی؛ ۳. تقویت مأموریت دریایی ناتو در دریای مدیترانه و احتمال گسترش آن به سایر آبراه‌های بین‌المللی، به منظور حفاظت از مسیرهای دریایی انتقال انرژی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶: ۱۸) مانند تنگه هرمز و باب‌المندب. بنابراین، تسلط بر کانون‌های اصلی هیدروکربن‌ها و مسیر انتقال آن‌ها، اساس بسیاری از کنش‌های ناتو را در خاورمیانه شکل می‌دهد و فاز دوم مبارزه با تروریسم، برقراری امنیت در مناطق تولید کننده انرژی نظیر خلیج فارس می‌باشد. بر همین مبنای، در سال‌های اخیر مذاکرات و نشست‌های مختلفی، نظیر نشست امنیتی قطر (۲۰۱۴)، کمپ دیوید (۲۰۱۵) و بحرین (۲۰۱۶)، بین ناتو و آمریکا و اعضای شورای همکاری خلیج فارس جهت گسترش تعاملات راهبردی و نظامی - امنیتی صورت پذیرفته است. به عبارتی، وابستگی نفتی اعضای ناتو (اروپا ۲۰ درصد و آمریکا ۱۷ درصد) به نفت خاورمیانه منجر به آن شده که هر مانعی در مسیر انتقال این انرژی به عنوان تهدیدی علیه اقتصاد ملی و قدرت آن‌ها قلمداد شود و با آن مقابله گردد. در همین رابطه، با این وجود، بنظر می‌رسد آمریکا خواهان کاهش هزینه‌های مادی و معنوی یک جانبه‌گرایی خود در زمینه انرژی نیز بوده و قصد دارد با ورود و درگیر نمودن ناتو به این مهم هزینه‌های خود را کاهش دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

۴. دولت‌های فروپاشیده و شکننده

امنیت انرژی در شرایطی مطرح می‌گردد که وجود دولت‌های فروپاشیده^۲ و شکننده مانند عراق، افغانستان، سوریه و یمن بستر مناسبی را برای فعالیت‌ها و اقدامات تهدیدزای تروریست‌ها بیش از پیش فراهم نموده است. به نقل از ژنرال کلودیو بیسونیرو^۳ معاون دبیرکل ناتو دولت‌های فروپاشیده و فضاهای بدون حاکمیت «از جمله تهدیدات امنیتی جهانی» هستند که

1. Comprehensive Political Guidance
2. Failed States
3. Claudio Bisogniero

حداقل می‌بایست از افزایش آن‌ها جلوگیری کرد (طباطبایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۶۷). چرا که این طیف از دولت‌ها در «هلال بحران» مد نظر ناتو، (از شبه قاره هند در شرق تا شاخ آفریقا در غرب) از یک سو محیط امنی را برای زیست تروریست‌ها فراهم می‌آورند و از سوی دیگر امکان دستیابی آن‌ها را به تسلیحات پیشرفته و یا به گفته آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل پیشین ناتو، «خطرناک‌ترین تسلیحات در جهان» فراهم می‌سازد. در این ارتباط، می‌توان به دستیابی تروریست‌ها به تجهیزات پیشرفته نظامی و همچنین استفاده آن‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی مانند تسلیحات شیمیایی (گاز خردل) در سوریه اشاره نمود؛ که واکنش فوری و جدی آمریکا و اعضای ناتو را در پی داشته است؛ به نحوی که در سال ۲۰۱۳ تسلیحات شیمیایی سوریه با سرعت منهدم یا از این کشور تخلیه شدند. اخیراً نیز مقامات ارشد پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا در نشست امنیت و مبارزه با تروریسم لندن (آوریل ۲۰۱۶) بیان نموده‌اند که گروه تروریستی داعش در حال برنامه‌ریزی برای انجام حملات بیولوژیکی و هسته‌ای است و این موضوع «موجب نگرانی» شدید آن‌ها شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۲/۱)؛ که این اظهارات مبین ضرورت و اهمیت این مساله در کنار تروریسم است که مجدداً در نشست اخیر ورشو (جولای ۲۰۱۶) بر آن تأکید شده است و موضوع حضور مجدد ناتو و آموزش نیروهای عراقی برای نبرد بهتر با داعش در عراق را تقویت نموده است.

۵. اشاعه تسلیحات کشتار جمعی

واقعیت امر آن است که در شرایط بی‌ثباتی منطقه، حساسیت کشورهای عضو ناتو به اشاعه تسلیحات هسته‌ای تشدید شده است. بگونه‌ای که تلاش می‌کنند با هر ابزار ممکن از تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری بعمل آورند. به همین دلیل است که در سند راهبرد جدید ناتو تأکید زیادی بر محقق ساختن موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه شده است و در اجلاس ریگا (۲۰۰۶) و بخارست (۲۰۰۸) موضوع هسته‌ای ایران و حل و فصل بحران خاورمیانه از محورهای اساسی مذاکرات قرار گرفت (مهرورز، ۱۳۹۰). پیش‌تر، در اجلاس پراگ (۲۰۰۲) نیز مساله مقابله با دسترسی شبکه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان اولین ضرورت امنیتی تمامی کشورها مطرح گردید (متقی و کوه خیل، ۱۳۹۱: ۱۷). در واقع، گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده، با گستره جهانی و مرگ بارشان، در صورت دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی قادر خواهند بود تا تهدیدات جدی را

پیش روی ناتو و غرب ایجاد نمایند. از این‌رو، یکی از اهداف اصلی گفتگوها و تقویت همکاری‌های نظامی - دفاعی اعضای ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز در حال حاضر همین موضوع، با محوریت مساله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بوده است.

۶. مدیریت بحران

با توجه به ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بحران خاورمیانه، نظیر مساله مهاجران، ناتو تلاش دارد تا علاوه بر ابعاد دفاعی، تقویت ساختارها و رویه‌های لازم برای پیشگیری از بحران و مدیریت بحران را نیز مدنظر قرار دهد (متقی و کوه خیل، ۱۳۹۱). به دیگر سخن، با برنامه مدیریت بحران و حفظ صلح، که به‌طور مفصل در «سند راهبردی نوین» به آن پرداخته شده، ناتو قصد دارد نگاهی جامع به مسائل داشته و علاوه بر مسائل نظامی به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره نیز توجه داشته و به مرزهایی فراتر از ناتو توجه نماید (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰). این سازمان بر اساس استراتژی امنیت همگانی یا جمعی اعضاء، گسترش حوزه جغرافیایی و تحول از یک سازمان منطقه‌ای به «سازمان جهانی» را در پیش گرفته و تلاش نموده تا همکاری‌های خود را با کشورهای ژئوپلتیک خاورمیانه که از جمله حساس‌ترین محیط بحرانی جهان محسوب می‌شود افزایش دهد؛ تا حداقل از اشاعه و تسری بحران‌ها به سایر حوزه‌های جغرافیایی ممانعت بعمل آورده و یا از وقوع آن جلوگیری کند. در همین رابطه، اشتون کارتر، وزیر دفاع آمریکا، ضمن تأکید بر شرکت نمودن ناتو در ائتلاف ضد داعش از طریق ارسال سیستم کنترل و هشدار هوایی (آواکس) و آموزش نیروهای عراقی، بیان داشته است که این نهاد امنیتی در حل بحران آوارگان نیز کمک خواهد کرد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۴/۱). در همین ارتباط، بحران مهاجران و جنگ داخلی سوریه موجب شده تا کشتی‌های ناتو در دریای اژه با هدف مقابله با شبکه‌های قاچاق انسان و ممانعت از گسیل شدن آوارگان به اروپا حضور پیدا کنند. علاوه بر این، سازمان تلاش دارد تا نظارت، کنترل و فعالیت اطلاعاتی خود را در مرز سوریه با ترکیه افزایش دهد و همچنین مناسبات نظامی خود را با ترکیه تقویت نماید (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴/۱۲/۸). بدین ترتیب، با حضور در منازعات منطقه‌ای ناتو سعی دارد تا خود را به عنوان یک نهاد «مدیریتی امنیت» جهانی معرفی نماید.

۷. ضرورت توسعه سیاسی - اقتصادی

علاوه بر تلاش جهت مدیریت بحران؛ همزمان توسعه اقتصادی و اجتماعی و گسترش دموکراسی در کشورهای خاورمیانه نیز به عنوان کارکردهای جدید مد نظر نخبگان سیاسی ناتو می‌باشد. در همین زمینه، «نیکلا دسنتیس» مسؤول بخش امور سیاسی و امنیتی بخش آفریقا و خاورمیانه سازمان ناتو بیان می‌دارد که در صورت عدم توجه و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی توسط کشورهای منطقه و نبود توسعه اقتصادی و اجتماعی شاهد انقلاب‌های جدید در کشورهای عربی خواهیم بود. به عبارتی، «بدون توسعه نمی‌توان راهکاری برای مقابله با تروریسم پیدا کرد» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۲/۲). در همین رابطه، موضوع گسترش دموکراسی به خاورمیانه که پیش از این در قالب طرح «خاورمیانه بزرگ» و «خاورمیانه بزرگ‌تر»، به ترتیب از سوی کالین پاول و کاندولزا رایس مطرح گردید، مد نظر این سازمان می‌باشد؛ تا با اشاعه آن بتوان به مقابله با تروریسم پرداخت و این پدیده را در مبدأ خنثی ساخت. بر همین اساس، در اجلاس لیسبون (۲۰۱۰) طی فرآیند تدوین سند مفهوم استراتژیک، ناتو خود را به عنوان «یک جامعه‌ی منحصربه‌فرد متعهد به اصول آزادی فردی، دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون» معرفی می‌کند (حقیقی، ۱۳۹۱: ۷-۳) که خواهان انجام اصلاحات در کشورهای غیر دموکراتیک است. چراکه از منظر نخبگان سیاسی ناتو حکومت‌های غیر دموکراتیک یک تهدید امنیت جهانی بحساب می‌آیند که قادرند منافع آن‌ها را با خطر مواجه سازند. همچنین، از دیدگاه آن‌ها بهترین راه مبارزه با تروریسم گسترش دموکراسی و همکاری امنیتی می‌باشد (مهرورز، ۱۳۹۰). بنابراین، توجه به ابعاد اجتماعی امنیت به ویژه حکومت قانون و پیاده سازی مدل لیبرال دموکراسی در کشورهای عقب مانده یکی از اهداف ناتو به رهبری آمریکا در منطقه است که می‌تواند نوعی مشروعیت صوری نیز برای اقدامات تهاجمی آن سازمان فراهم سازد.

۸. تهدیدات ناتو علیه امنیت ج.ا.ایران

افزایش حضور ناتو در خاورمیانه می‌تواند طیفی از تهدیدات را برای ج.ا.ایران ایجاد نموده و امنیت ملی این کشور را به خطر اندازد. با توجه به مشترکات هویتی و همچنین ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی ایالات متحده و اعضای ناتو جهت مبارزه با تروریسم، ممکن است تا این سازمان در کشورهای مختلف نظیر سوریه و یمن حضور مستقیم پیدا کرده و بدین ترتیب علاوه

بر قطع روابط ایران با گروه‌های شیعی منطقه و جبهه مقاومت، به بهانه حمایت ایران از گروه‌های تروریستی، از نفوذ سیاسی و تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در منطقه بکاهد. همچنین، ناتو قادر خواهد بود تا با پر کردن خلأ امنیتی و ایجاد ترتیبات جدید منطقه‌ای، موازنه منطقه‌ای را به ضرر ایران تغییر دهد (قوام و نقیب‌زاده، ۱۳۸۳). علاوه بر این، این سازمان با حضور در سوریه قادر خواهد بود با اتصال میان کشورهای مجاور یعنی ترکیه، عراق حلقه محاصره ایران را در حوزه غربی کشور تنگ‌تر نماید. همچنین، تحولات خاورمیانه موجب می‌شود تا ناتو به بهانه مدیریت بحران در کشورهای اسلامی امکان تحرک نظامی خود را در منطقه افزایش دهد (متقی و کوه خیل، ۱۳۹۱)؛ که این موضوع کاملاً در تعارض با راهبردهای امنیتی ایران در منطقه و در راستای محاصره ژئوپلیتیکی ایران قرار دارد.

با توجه به هراس کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس و همچنین حساسیت ناتو به برنامه‌های هسته‌ای ایران، این سازمان امنیتی، همسو با اهداف سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، با پشتیبانی این کشورها تلاش خواهد نمود، علیرغم دستیابی به توافق هسته‌ای، فشارهای بین‌المللی را بر ایران افزایش دهد تا بدین طریق قابلیت راهبردی ایران را محدود سازند. در همین رابطه، در گزارش شماره ۱۷۶ مجمع پارلمانی ناتو با عنوان «ایران: چالشی برای همکاری فرآتلانتیک» آمده است: «برنامه اتمی ایران همواره یکی از موضوعات امنیتی جامعه بین‌المللی و به‌ویژه کشورهای عضو ناتو است. فعالیت هسته‌ای ایران را صرفاً نایست مربوط به همسایگان تلقی کرد، بلکه باید آن را به‌عنوان عامل تضعیف‌کننده رژیم منع گسترش تلقی نمود» (طباطبایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۶۹). در واقع، ناتو اساساً همانند «سند وضعیت هسته‌ای ایالات متحده»^۱، اصل غنی‌سازی توسط کشورها را تهدید و مساوی با اشاعه دانسته و طبعاً به مقابله با آن اقدام خواهد کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰). استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و سازمان انرژی اتمی و همچنین استقرار بخشی از سامانه سپر دفاع موشکی در ترکیه و در همسایگی ایران تا حدودی در این راستا قابل ارزیابی است.

در حقیقت، غرب تمایل ندارد تا کشورهای جنوب، مانند ایران، به توان بازدارندگی دست یابند. چرا که آنگاه منزلت هژمونیک غرب از بین خواهد رفت. در چنین وضعیتی غرب نیز به عنوان یک مجموعه هم‌ردیف بازیگران جهانی در خواهد آمد، و نه مجموعه مسلط در آن

1. Nuclear Posture Review(NPR)

(سیف‌زاده، ۱۳۸۳). همچنین، دستیابی ایران به توان هسته‌ای می‌تواند توازن قدرت را در منطقه به زیان متحدان آمریکا و اروپائیان بویژه اسرائیل تغییر دهد. علاوه بر تسلیحات نامتعارف هسته‌ای، یکی از تهدیدات امنیتی که ناتو برای خود در دهه آینده ترسیم نموده است، برخی از سلاح‌های متعارف مانند موشک‌های بالستیک می‌باشد. بر همین اساس، برنامه‌های موشکی ایران در زمره تهدیدات امنیتی قرار می‌گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰)؛ بگونه‌ای که در نشست اخیر سران ناتو در ورشو (۲۰۱۶)، از توان موشکی ایران به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و ثبات بین‌المللی نام برده شده است.

همچنین، با توجه به بیم شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس از تحولات سیاسی اخیر ژئوپلیتیک خاورمیانه و همچنین هراس آن‌ها از برنامه هسته‌ای، موشکی و افزایش نفوذ ایران در منطقه، آن‌ها تلاش دارند تا با پیوند زدن امنیت خود با امنیت کشورهای ناتو از طریق ترسیم «الگوی امنیتی مشارکتی» به مقابله و مهار تهدید ایران بپردازند. در این زمینه می‌توان به همکاری‌های نظامی قطر و امارات متحده عربی و حمایت‌های سیاسی سایر دولت‌های عربی منطقه از عملیات نظامی ناتو در لیبی (NATO Watch, 2012) و همچنین دیدارهای سال‌های اخیر جان کری و اوباما با رهبران شورای همکاری خلیج فارس اشاره نمود. اوباما در دیدار با سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس کمپ دیوید (۲۰۱۵) وعده داد «در پرتو توافق هسته‌ای ایران، همکاری‌های امنیتی را با این کشورها تقویت خواهد کرد» (خبرگزاری فارس، ۲۱/۱/۱۳۹۵). اما، افزایش حضور ناتو در منطقه و حمایت گوناگون نظامی - تسلیحاتی، آموزشی و انعقاد قراردادهای گوناگون همکاری‌های امنیتی این سازمان با شیخ‌نشین‌های مجاور ایران، نه تنها روابط خارجی ایران در مناطق همجوار را محدود می‌کند، بلکه مساله «معمای امنیتی» را در منطقه پیچیده‌تر خواهد نمود؛ و بدین ترتیب شاهد افزایش رقابت‌های تسلیحاتی بویژه در منطقه خلیج فارس خواهیم بود. افزایش خریدهای تسلیحاتی کشورهای عرب خاورمیانه از کشورهای اصلی عضو ناتو مانند آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه در سال‌های اخیر خود دلیل بر آمادگی این کشورها برای مسابقه تسلیحاتی می‌باشد.

از سوی دیگر، با توجه به وابستگی نفتی اعضای ناتو به منطقه، نزدیکی و متعاقباً همکاری آن‌ها می‌تواند به پیشبرد سیاست‌های تحریمی علیه ایران در زمینه انرژی کمک کند. در همین رابطه، تلاش غرب برای تغییر رفتار ایران در سال‌های اخیر منجر به فشارهای اقتصادی شده است. بطور مثال، جلوگیری از رسیدن منابع انرژی ایران به بازارهای دنیا، به حاشیه رانده

شدن ایران در طرح خط لوله ناباکو و انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا از مسیرهای سیاسی، و نیز کنار زدن هند از طرح خط لوله صلح و فشار بر پاکستان برای انجام چنین کاری (مهرورز، ۱۳۹۰: ۲۶) نشان دهنده سیاست‌های خصومت‌آمیز آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی آن می‌باشد. هم‌زمان، ابهام در تعریف از «ناامنی» و «بحران»، ناتو را قادر خواهد ساخت تا زمینه‌های مداخله و تنگ‌تر نمودن حلقه محاصره ایران را بیش از پیش مهیا سازد.

همچنین، افزایش حضور ناتو در منطقه این امکان را برای اعضای اصلی آن مانند ایالات متحده و انگلیس فراهم می‌آورد تا در صورت جنگ احتمالی از آمادگی، امکانات و قدرت واکنش و مانور بیشتری نسبت به ایران برخوردار باشند و محیط امنیتی ایران را با چالش جدی‌تری مواجه سازند. علاوه بر این، افزایش حضور ناتو در منطقه به اعضای این سازمان کمک خواهد کرد تا ضمن گسترش نفوذ رژیم اسرائیل در ترتیبات امنیتی - سیاسی منطقه، زمینه برای کنار هم نشانیدن این رژیم با کشورهای اسلامی منطقه و اجرای برنامه‌های مشترک فراهم گردد (فلاحی، ۱۳۸۵). موضوعی که پیشتر یکی از اولویت‌های ابتکار همکاری استانبول و گفتگوی‌های مدیران‌های ناتو بوده است که امروزه می‌توان مصداق آن را در نزدیکی عربستان سعودی به اسرائیل و تشکیل اتحاد «عربی-عبری» مشاهده نمود. همچنین توسعه حضور ناتو در منطقه موجب خواهد گشت تا اختلاف اعضای اروپایی و آمریکایی ناتو بر سر سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم اسرائیل در قالب شهرک‌سازی و کشیدن دیوار حائل و حل مساله فلسطین تا حدود زیادی پایان یابد. متعاقباً، اسرائیل نیز تلاش خواهد کرد تا ضمن ورود به یک نهاد امنیتی چند ملیتی و بین‌المللی، چهره خود را نزد افکار عمومی اروپائیان ترمیم کرده و در مقابل، در برابر تهدیدات ایران بهره‌برداری روانی کند.

نتیجه‌گیری

الزامات محیط امنیتی جدید خاورمیانه در انطباق با تعریف موسع ناتو از تهدیدات امنیتی در دوران پساکمونیسیم شرایطی را فراهم ساخته تا زمینه حضور فراگیرتر این سازمان امنیتی در منطقه فراهم آید. به عبارتی، در حال حاضر، موضوعاتی مانند بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی، تروریسم بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی، دولت‌های ورشکسته، امنیت انرژی و مساله مهاجران بر اساس «سند استراتژیک نوین» به عنوان تهدیدات راهبردی محسوب می‌گردند که در صورت تشدید، جدیت یافتن و به خطر انداختن امنیت جهان و اعضای ناتو، مقابله با آن‌ها

بر اساس «دکترین راسموسن» یا همان اجلاس لیسبون ضرورت می‌یابد. این تهدیدات در شرایطی مطرح می‌گردد که ناتو کارویژه‌های جدیدی مانند توسعه اقتصادی و اشاعه دموکراسی، مدیریت بحران و حمایت حقوق بشر و مبارزه با بلایای طبیعی، فجایع زیست محیطی، فقر و گرسنگی را نیز به کار ویژه کلاسیک خود یعنی نظامی - امنیتی افزوده است؛ که این موضوعات نیز خود محرکی جهت افزایش مداخلات آینده ناتو در منطقه بحساب می‌آید.

بطور کلی می‌توان بیان داشت که در صورت تداوم و تشدید بحران در خاورمیانه و تهدیدات چندبعدی حاصل از آن، کشورهای قدرتمند عضو ناتو مجبور خواهد شد تا به عنوان «مسئولانی بزرگ» و همان‌گونه که هدلی بول بیان می‌دارد «در مقام کارگزاران خیر جهانی» وارد عمل شده و برای مقابله با منبع و منشأ تهدیدات اقدام به مداخله حتی بصورت «پیش‌دستانه» کنند. چرا که از منظر رهبران این پیمان، که در سال‌های اخیر نیز از یک سو رویکرد تهاجمی پیدا نموده (برخلاف ماده ۵ منشور) و از سوی دیگر داعیه حفظ نظم جهانی دارد (برخلاف ماده ۶ منشور پیمان)، بحران‌ها و درگیری‌ها در خارج از منطقه یورو - آتلانتیک می‌توانند دستاوردهای ناتو در قلمرو خود را نظیر ثبات، امنیت، رفاه و دموکراسی را به مخاطره اندازد. به عبارتی، این سازمان در تصویرسازی از تهدیدات امنیتی علیه خود، بسیار گسترده و وسیع عمل کرده و حدود مرز مشخصی را برای دامنه جغرافیایی و موضوعی آن قائل نیست. تجاوز نظامی ناتو به لیبی (۲۰۱۱) در قالب «مسئولیت حمایت» و مداخله در سوریه و اعلام حضور مجدد در عراق در همین رابطه قابل ارزیابی است.

همچنین، ناتو با هدف حفظ موجودیت خود، از طریق توسعه و گسترش به سایر مناطق و اتخاذ «سیاست درهای باز» جهت افزایش اعضاء، ترویج ثبات در مناطق پیرامونی خویش و مبارزه با تهدیدات نوین و چالش‌های اصلی امنیت بین‌المللی، درصدد است تا همکاری با کشورهای منطقه را بر اساس «استراتژی تعامل» و «اصل مشارکت» و «تز گسترش به شرق» افزایش دهد. در همین ارتباط، کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه دو اولویت اصلی هستند که ناتو در منطقه خاورمیانه بر روی آنها تمرکز نموده است. ناتو پیشتر با طرح «گفتگوهای مدیترانه‌ای»، تلاش نمود تا زمینه‌های مقابله با تهدیدات هویتی و راهبردی را در این حوزه امکان‌پذیر سازد (Rynning, 2007). اما، برنامه و سازوکار ناتو جهت توسعه نفوذ در منطقه خلیج فارس عمدتاً بر مبنای شکل‌گیری الگوی «امنیت مشارکتی» یا «امنیت تعاونی» قرار دارد؛ که مبتنی بر تعامل و همکاری متقابل می‌باشد. علت اتخاذ این الگو را باید از یک سو

ناشی از فقدان الگوی امنیتی کارآمد در منطقه، به دلیل تنش‌های هویتی و تاریخی - جغرافیایی موجود، و از سوی دیگر رقابت قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران، عربستان و ترکیه برشمرد؛ که ایجاد فرهنگ همکاری و «منطق کانتی» را دشوار ساخته است.

علاوه بر این، از منظر ناتو، با همکاری این سازمان و کشورهای منطقه خاورمیانه امکان پیشگیری از وقوع بحران‌های آینده افزایش یافته و مدیریت بحران در مناطق بحران‌خیز امکان پذیر تر خواهد شد. این موضوع در حالی است که کشورهای منطقه نیز، بویژه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، با هدف حفظ قدرت سیاسی خود در برابر اعتراضات داخلی و همچنین امنیت منابع انرژی به عنوان منبع اصلی درآمدهای مالی، تمایل شدیدی به حضور ناتو در منطقه دارند. همچنین، ناتو می‌تواند از این کشورها در برابر تهدید مشترک آن‌ها یعنی ایران محافظت نماید.

در همین ارتباط، اهداف منطقه‌ای ناتو به نوعی در راستای استراتژی «ثبات برتری جویانه» ایالات متحده نیز قرار داشته و لذا آن کشور بر مبنای تقسیم کار جهانی و تأمین امنیت جمعی و همچنین کاهش شکاف بین اعضای ناتو، از اقدامات آن حمایت به عمل خواهد آورد. همکاری کشورهای عضو ناتو با آمریکا در مقابله با داعش در همین راستا قابل ارزیابی است. به عبارتی، اگرچه اعضای اروپایی ناتو و آمریکا در مواجهه با مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تاکتیک‌ها و ابزارهای متفاوتی دارند، اما از نظر راهبردی و ایجاد ثبات در خاورمیانه دارای منافع یکسان هستند. حمایت‌های مالی و نظامی آمریکا از این نهاد امنیتی که عمدتاً به عنوان «بازوی نظامی» آن کشور عمل می‌کند در همین زمینه قابل درک است.

با این وجود، با توجه به تعارض‌های ماهوی گفتمان‌های ج.ا.ایران و غرب و تقابل مداوم آن‌ها و همچنین شرایط ویژه ژئوپلیتیکی خاورمیانه و پیوستگی امنیتی کشورهای این حوزه، حضور ناتو در منطقه می‌تواند از جوانب مختلف امنیت ایران را با چالش‌ها و تهدیداتی جدی و فوری مواجه سازد. بویژه آن که با بررسی راهبردها، رهنامه‌ها و ابزارهای ناتو پس از ۱۱ سپتامبر می‌توان دریافت که رویکرد ناتو عمدتاً متأثر از دیدگاه و منویات رهبران واشنگتن می‌باشد. در چنین شرایطی، ایران می‌بایست با اتخاذ سازوکارهایی نظیر اولویت بخشیدن به رهیافت تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی، تغییر تصویر خود به عنوان یک چالش‌گر منطقه‌ای هنجارگریز، خودداری از تهدیدات علیه امنیت انرژی، بر ساخت یک الگوی امنیتی مشارکتی و بومی در منطقه که از ثبات و کارآیی برخوردار باشد به مقابله با تهدیدات احتمالی بپردازد.

همچنین، جمهوری اسلامی ایران با تقویت دیپلماسی فعال بویژه در مسائل منطقه‌ای قادر خواهد شد تا مانع از تسری کارکردهای ناتو به مسائل سیاسی و اقتصادی شود. تقویت همکاری‌های دو و چند جانبه منطقه‌ای در ابعاد مختلف با همسایگان بهانه لازم را جهت حضور ناتو سلب نموده، و روند مداخله‌گرایی آن را در منطقه کندتر می‌کند، یا هزینه‌های حضور آن را افزایش می‌دهد. علاوه بر این تمهیدات، استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای و عمومی در راستای برجسته کردن اهداف واقعی ناتو از حضور در ژئوپلیتیک خاورمیانه نیز می‌تواند در این مسیر مؤثر واقع گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- حقیقی، رضا (۱۳۹۱). **تحولات ناتو از لیسبون تا شیکاگو، چشم‌انداز فرارو، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.**
- حیران نیا، جواد و پیمان یزدانی (۱۳۹۵/۲/۲۸). «گفتگوی سفیر پیشین آمریکا در ناتو: احتمال مداخله نظامی ناتو در خاورمیانه وجود دارد». <http://www.mehrnews.com>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۴/۱۲/۱۸). «استولتبرگ: آتش‌بس در سوریه عمدتاً برقرار است/ نظارت ناتو بر مرز سوریه و ترکیه بیشتر می‌شود». <http://www.isna.ir/news>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۵/۱/۲۱). «اشاره جان کری به همکاری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس ضد ایران». <http://www.farsnews.com/newstext.php?>
- خبرگزاری فارس (۱ اردیبهشت ۱۳۹۵). «ناتو نسبت به احتمال حمله بیولوژیکی و هسته‌ای داعش هشدار داد». <http://www.farsnews.com/13950201000038>
- خبرگزاری مهر (۲ اردیبهشت ۱۳۹۵). «هشدار ناتو درباره وقوع انقلاب‌های جدید در کشورهای عربی». <http://www.mehrnews.com/news/>
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۶). **سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.**
- دهقانی، محمود (۱۳۸۳). **راهبرد آینده ناتو در منطقه خاورمیانه، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.**
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱ خرداد ۱۳۹۵). «ناتو علیه داعش وارد عمل می‌شود؟». <http://donya-e-eqtasad.com/SiteKhan/1070174>
- سرو دلیر، محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی تحول ناتو پس از جنگ سرد».

<http://sarvdelir.blogfa.com>

سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳). **معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

طباطبایی، سیدعلی و علی محمودی (۱۳۸۹). «تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۵، صص ۷۷-۵۹.

فلاحی، علی (۱۳۸۵). «مفهوم نوین استراتژیک و مأموریت‌های ناتو در قرن بیست و یکم». **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۰، شماره ۲.

قوام، عبدالعلی و احمد نقیب‌زاده (۱۳۸۳). «فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات امنیت بین‌الملل**، به کوشش علی عبدالله خانی، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

متقی، ابراهیم و مرجان کوه خیل (۱۳۹۱). «گفتمان مبارزه با تروریسم در راهبرد ناتو»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیستم، شماره ۸۱، صص ۲۳-۹.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۸ مرداد ۱۳۹۰). «ارزیابی استراتژی جدید ناتو و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران». <http://www.psyop.ir/?p=7930>

مهرورز، آسیه (۱۳۹۰). «بررسی تحولات رهنامه دفاعی- نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا. ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰.

ولی‌زاده، اکبر و سیدمحمد هوشی سادات (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، تابستان، صص ۱۲۰-۹۹.

ب) منابع انگلیسی

Kujat, Harald (2003). "Combating Terrorisom: A Key Objective". **Nato Review**. <http://www.nato.int/docu/articles/2002/a021225a.htm>

NATO Watch (May 2012). "NATO Partnerships and the Arab Spring". **www.natowatch.org**.

Rasmussen, Anders Fogh (21 May 2011). « NATO and the Arab Spring ». **The New York Times**.

Rynning, Susan (2007). "NATO and the brouder Middle East, 1994-2007: the History and lessons of Controversia Ecounters". **Journal of Strategic Studies**.